

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشواز

نویسنده: Kristen R. Ghodsee

برگردان از: مرمر کبیر

فرستنده: دیلوم انجنیر نسرين معروفی

۱۹ دسمبر ۲۰۲۱

«مادر بزرگ‌های سرخ» جنبش بین‌المللی زنان

(۱)

نقش فراموش شده فمینیست‌های کشورهای شرق و جنوب



اگر شما امروز زنی هستید که در غرب زندگی و کار می‌کند، مطمئناً هرگز نام النا لاگادینووا و آنا دورشوای بلغاری، یا لیلی مونزه و شیبسا کانکاسای زامبیایی به گوشتان نرسیده است و نمی‌دانید که بخشی از حقوق خود را مدیون آنها می‌باشید. اگر تاکنون نام آنها را نشنیده‌اید به این دلیل است که برندگان جنگ سرد نقش موثر بسیاری از زنان بلوک شرق و کشورهای جنوب در جنبش فمینیستی بین‌المللی را کاملاً محو کرده‌اند. برخورد فاتحانه غرب پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، هرگونه میراث مثبت مرتبط با تجربه سوسیالیسم را از خاطرات جمعی زدود و آن دوران را در اقتدارگرایی، صف در مقابل نانوائی‌ها، گولاگ، محدودیت در سفرهای خارجی و پولیس مخفی خلاصه کرد.

غربی‌ها معمولاً این امر که مدرنیزاسیون سریع روسیه و برخی کشورهای اروپای شرقی با ظهور سوسیالیسم دولتی همراه بوده را نادیده می‌گیرند. به عنوان مثال، در سال ۱۹۱۰، در حالی که در فرانسه امید زندگی ۴۹ سال تخمین زده می‌شد، در روسیه تزاری تنها حدود ۳۳ سال بود. در سال ۱۹۷۰ در اتحاد جماهیر شوروی امید زندگی بیش از دو برابر شده و به ۶۸ سال رسید یعنی تنها سه سال کمتر از فرانسه در همان سال. اتحاد جماهیر شوروی اصل برابری حقوق بین زن و مرد را از سال ۱۹۱۸ در قانون اساسی خود ثبت کرد و سقط جنین را برای اولین بار در جهان در سال ۱۹۲۰ قانونی کرد. مدتها قبل از این که غرب به امر نگهداری از کودکان توجه کند، در اتحاد شوروی بودجه قابل

توجهی به نگهداری جمعی از کودکان در مهدکودکها اختصاص داده شد و سرمایه گذاری زیادی در زمینه آموزش زنان انجام گرفت. با وجود برخی اختلالات ناشی از برنامه ریزی متمرکز، بلوک شرق پس از جنگ جهانی دوم به پیشرفتهای علمی و فنی چشمگیری نائل آمد که زنان در آن سهم بسزائی داشتند.

مسلم است که همه چیز کاملاً بی عیب نبود. سقط جنین در سال ۱۹۳۶ مجدداً ممنوع شد و این ممنوعیت تا سال ۱۹۵۵ همچنان ادامه پیدا کرد. فرهنگ پدرسالاری به ارث رسیده، زنان را مجبور می کرد تا علاوه بر کار بیرون، کارهای خانگی را نیز، که مردان از انجام آن سرباز می زدند، برعهده بگیرند. به دلیل کمبودها، خرید برخی از کالاهای اساسی به همان اندازه تلاش داشت که صعود به هیمالیا. پوشک های یکبار مصرف کودکان و یا محصولات بهداشتی زنانه اغلب در دسترس نبود. رده های بالای قدرت سیاسی و اقتصادی تا حد زیادی توسط مردان اشغال می شد. با همه اینها پیشرفتهای قابل توجه بود. پس از سال ۱۹۴۵، زنانی که در اتحاد جماهیر شوروی و اروپای شرقی زندگی می کردند عمدتاً وارد دنیای کار شدند، در حالی که در غرب زندگی زنان اغلب به محیط آشپزخانه و رفتن به کلیسا محدود می شد.



آنجلا دیویس پس از خروج از زندان

آنجلا دیویس پس از خروج از زندان همراه با الناکادینوا (سمت راست) صوفیه ۱۹۷۲، عکس از آرشیو شخصی الناکادینوا

دردوران جنگ سرد، جایگاه زنان در جامعه، رقابت بین دو بلوک را بر انگيخت و در کشورهای غربی باعث پیشرفتهائی از روی چشم و همچشمی با شرق گردید. در سال ۱۹۴۲ امریکائی ها قهرمانی های خانم لیوتمیلا پاولیشنکو، تک تیرانداز جوان شوروی را کشف کردند (وی یک تنه ۳۰۹ سرباز نازی را کشته بود) و شیفته وی گشتند، تا جائی که خانم الینور روزولت، بانوی اول امریکا برای این که عقب نیفتد او را مهمان کرد و به اتفاق هم دور ایالات متحده سفر کردند. واشنگتن تنها پس از پرتاب ماهواره Sputnik در سال ۱۹۵۷ نگران تهدید ناشی از رهائی زنان در شوروی شد. دولتمردان امریکا از خود پرسیدند آیا خطر سبقت گرفتن اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در فضا با داشتن دو برابر بیشتر نیروی متفکر و کارشناس - یعنی مردان و زنان - نسبت به ایالات متحده آنها را تهدید نمی کند؟ سال بعد دولت ایالات متحده قانون دفاع ملی را تصویب کرد که بودجه ای را برای آموزش علمی زنان در نظر می گرفت.

در ۱۴ دسمبر ۱۹۶۱، رئیس جمهور جان اف کندی فرمان اجرائی ۱۰۹۸۰ را امضاء کرد که به موجب آن نخستین کمیسیون ریاست جمهوری در مورد وضعیت زنان ایجاد شد. دلیل صدور فرمان در مقدمه آن، تقویت امنیت ملی ذکر شده است که نه تنها به نیاز دولت به ارتش ذخیره ای از زنان کارگر برای دورانهای جنگ اشاره دارد، بلکه همچنین ترس رهبران امریکائی از اغوای زنان خانه نشین توسط سوسیالیست ها و جذب آنها به سوی «سرخها» را آشکارا مطرح می کند.

زن فضانوردی که مطبوعات امریکا را مبهوت کرد

روز ۱۷ جون ۱۹۶۳، تیتز روزنامه نیویورک هرالڈ تریبون چنین بود: «این خانم بلوند از شوروی اولین زنی است که به فضا می رود» و سپرینگ فیلد یونیون چنین نوشت: «شوروی اولین زن فضانورد را به مدار می فرستد». این روزنامه ها تصاویری از والننتینا ترشکوا ۲۶ ساله را منتشر کردند که لبخند می زد و بر روی کلاه فضانوردیش به خط سیریلیک نوشته شده بود CCCP («ا ج ش س، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی»). نیکولا ویشنی روز جون ۱۹۶۳ در روزنامه لوموند نوشت: «روس ها بدین ترتیب اثبات می کنند که زنان می توانند در سخت ترین آزمونهائی که فن آوری نوین پیش پای ما گذاشته با مردان رقابت کنند». در حالی که رهبران غربی همچنان از تأثیرات آزادی زنان بر زندگی خانوادگی سنتی در هراس بودند، اتحاد شوروی یکی از آنها را به فضا فرستاد ... در واکنش به تعداد مدال های طلای زنان ورزشکار شوروی در بازی های المپیک مونیخ در سال ۱۹۷۲، امریکائی ها در آن سال قانونی را در جهت کمک به رشد ورزش زنان تصویب کردند. هر پیشرفتی در بلوک شرق، کشورهای سرمایه داری را مجبور به اقدامات جدید می کرد.



تا اوایل دهه ۱۹۷۰، اتحاد جماهیر شوروی و متحدانش در بحث هایی که در مورد وضعیت زنان در ملل متحد در می گرفت تسلط داشتند. آنها همچنین در کنگره های سازمان یافته توسط فدراسیون بین المللی دموکراتیک زنان (FDIF)، که در سال ۱۹۴۵ در پاریس توسط فعالان چپ گرا تأسیس شد و شرکت کنندگان از چهل کشور را گرد هم می آورد، جایگاه اصلی را به خود اختصاص می دادند. دولت های غربی FDIF را به عنوان «نهادی از اقمار شوروی» معرفی می کردند. شعبه امریکائی آن، کنگره زنان امریکائی، در سال ۱۹۵۰ به دنبال گزارش کمیسیون پارلمانی درباره فعالیت های ضد امریکائی منحل گشت. درجنوری ۱۹۵۱، پس از آن که دبیر اول این نهاد بین المللی، خانم اوژنی

کوتن که مسؤول شعبه فرانسوی (اتحادیه زنان فرانسوی) نیز بود علیه جنگ استعماری فرانسه در هندوچین موضع گرفت، دفتر FDIF مجبور شد پاریس را ترک کند.

دفتر جدید فدراسیون بین المللی دموکراتیک زنان در برلین شرقی به دژ پر توان در دفاع از منافع مستعمرات سابق در جهان تبدیل شد. در اواخر دهه ۱۹۶۰، فدراسیون و سازمانهای وابسته به آن کشورهای افریقائی و آسیائی را تشویق کرد تا سازمانهای زنان خود را بر اساس الگوی سازمانهایی که قبلاً در اروپای شرقی وجود داشت، ایجاد کنند و از حمایت مالی و تدارکاتی این نهاد بهره جویند.

در چارچوب مبارزه ضد استعماری، راه رشد سوسیالیستی با ملی کردن منابع طبیعی، برنامه ریزی اقتصادی و توسعه خدمات اجتماعی جایگزینی جذاب در برابر استعمار جدید که مدل سرمایه داری رشد را در چننه داشت، ارائه می داد. بسیاری از رهبران کشورهای استقلال یافته جنوب اتحادیه با بلوک شرق ایجاد کردند. این امر باعث وحشت عمیق امریکائی ها شد که از گسترش نفوذ شوروی واهمه داشتند. در همان زمان، سازمان ها و تشکلهای مردمی در اروپای شرقی با سازمان های نو ظهور در آسیا، افریقا و امریکای لاتین همکاری می کردند. آنها مطرح می کردند که تنها حضور زنان در ساختارهای سیاسی- اقتصادی برای یافتن راه های حل برای مشکلاتشان کافی نیست و این امر که ممکن است در این ساختارها اشکال دیگر ظلم و نابرابری علیه زنان تداوم بخشیده شود را به نبرد فرا می خواندند.

به ابتکار فدراسیون بین المللی دموکراتیک زنان و به پیشنهاد یک نماینده رومانیائی، ملل متحد سال ۱۹۷۵ را سال جهانی زن اعلام کرد تا توجه دولت های جهان را به وضعیت زنان جلب کند. این ابتکار با دهه ملل متحد برای زنان، که با سه کنفرانس مهم در مکزیکو سیتی (۱۹۷۵)، کپنهاگ (۱۹۸۰) و نایروبی (۱۹۸۵) برگزار شد، گسترش یافت. با همکاری با ملل متحد، ائتلافی از زنان کشورهای شرق و جنوب برنامه ای مترقی در جهت دفاع از زنان پی ریزی کرد که بازتاب آن هنوز پابرجاست.

حجاب فراموشی که سهم کشورهای سوسیالیستی در آزادی زنان را پوشانده است، به دلیل درک محدود از مفاهیم فمینیستی در غرب می باشد. در طول قرن بیستم، و حتی تا امروز، هواداران جریانهای مارکسیستی با انگ بی تفاوتی نسبت به تبعیضات نژادی و جنسیتی و طرح اولویت مبارزه طبقاتی بر سایر تقسیمات مهم جامعه، مورد انتقاد قرار گرفته اند. حال آن که در عمل، کشورهای سوسیالیستی سابق اروپای شرقی، خصوصاً در مقایسه با کشورهای غربی، بسیار بیش از آنچه رسماً گفته می شود در راستای رهائی زنان و استعمارزدائی تلاش کرده اند. از تیرانا، در جنوب، تا تالین، در شمال، از بوداپست تا ولادی وستوک و فراتر از آن در کشورهایی مانند چین، ویتنام، کوبا، نیکاراگوئه، یمن، تانزانیا و اتیوپی، «مادر کارگر» ایده آل شوروی، باعث شد که این کشورها مهدهای کودک و غذاخوری های عمومی ایجاد کنند و به تأمین هزینه برنامه های ویژه ای در حمایت از شهروندان بپردازند. در زمانی که زنان امریکائی برای رهایی به دانشگاههایی که فقط مردان در آنها تحصیل می کردند در حال مبارزه و برای فرصتهای برابر در زندگی کاری در تلاش بودند، دولتهای سوسیالیستی دست به اصلاحات ساختاری برای اطمینان از تعادل بین زندگی و کار در خانواده زده بودند. همانطور که آروون فریزر، نماینده سابق ایالات متحده در اجلاس مکسیکوسییتی و کپنهاگ، به ما گفت: «شکی نبود که قدرت زنان، دست کم در سطح قانونی در بلوک سوسیالیستی بیشتر بود اما هیچ کس به خصوص اعضای هیأت نمایندگی ایالات متحده نمی خواست این واقعیت را بپذیرند».

در جریان برگزاری مقدمات اولین کنفرانس جهانی ملل متحد در مورد وضعیت زنان در سال ۱۹۷۵، در مورد اهداف این رویداد اتفاق نظر وجود نداشت. بسیاری از زنان غربی، به ویژه امریکائی ها و فرانسوی ها، انتظار داشتند که برنامه در درجه اول بر موضوعاتی چون برابری اقتصادی و حقوقی متمرکز شود و کشورهای عضو ملل متحد را

مجبور به اتخاذ تدابیری برای رفع اختلافات بین زن و مرد کند. به عنوان مثال در ایالات متحده آمریکا دیری نبود که زنان حق تحصیل در هاروارد، نیل و پرینستون را داشتند اما درهای دانشگاه کلمبیا تا سال ۱۹۸۱ بروی آنها بسته بود. در بسیاری از کشورهای غربی، زنان برای دستمزد برابر با مردان، برابری در کار و حمایت قانونی در برابر تبعیض جنسیتی مبارزه می کردند. آنها با تعصبات فرهنگی مبارزه می کردند که جایگاه «طبیعی» زنان را در خانه و تنها در مراقبت از خانواده می دید و با استقلال مالی آنها مخالف بود. اما به نظر می رسد که جنبش زنان غربی ایجاد نظم اقتصادی جدید جهانی و یا مقاومت در برابر استعمار جدید را دغدغه هائی کاملاً غیرمجاز در چارچوب مبارزات فمینیستی می دانست. فرانسوا ژیرو، رئیس هیأت فرانسوی در ملل متحد و وزیر امور زنان در دوران ریاست جمهوری والرئ ژیسکار دستن، اعلام کرد: «سال بین المللی زنان اگر اهداف سیاسی ملی یا بین المللی خاصی را دنبال کند، تنها به عنوان یک ترفند سیاسی جدید تلقی می شود، هر قدر هم که این اهداف قابل احترام یا درست باشد»^(۱)

ادامه دارد

۱ - Jennifer Seymour Whitaker, « Women of the world : Report from Mexico City », Foreign Affairs, vol. ۲۴, n° ۱, New York, octobre ۱۹۷۵